



مهدی نوریان

دونالد ترامپ به دلیل فامیل‌بازی‌هایش مورد انتقاد قرار گرفته است. او داماد خود، «جرد کوشنر» را به سمت مشاور ارشد رئیس‌جمهوری منصوب کرد. ترامپ در اقدامی دیگر، دختر خود و همسر کوشنر، «ایوانکا ترامپ» را به سمت مشاور خود برگزید و به او دفتری در کاخ سفید داده است. هرچند ایوانکا ترامپ دست‌مزدی از کاخ سفید دریافت نمی‌کند؛ اما به خاطر سمتش، دارای بالاترین دسترسی‌های امنیتی است. اگرچه پسران ترامپ، «اریک» و «دونالد جونیور»، برای پدر کار دفتری در کاخ سفید انجام نمی‌دهند؛ اما گفته می‌شود آن دواز جایگاه ریاست‌جمهوری پدر برای برپول‌کردن هرچه بیشتر جیب خود و «سازمان ترامپ» سوااستفاده می‌کنند. همچنین گفته می‌شود اریک و دونالد جونیور، خلاف اظهارات خود دونالد ترامپ مبنی بر اینکه بین او و پسرانش صحبتی از سیاست و بیزینس نخواهد شد، گزارش‌ها و اطلاعات مالی و تجاری شرکت را با پدر در میان می‌گذارند. فامیل‌بازی در کاخ سفید امر جدیدی نبوده و ترامپ نیز اولین نفری نیست که بستگان و آشنایان خود را بر سر کار می‌آورد. اگرچه احتمالا دست کل ترامپ بزرگ‌ترین فامیل‌بازی است که در چند دهه اخیر در ذهن مردم آمریکا ثبت شده است؛ اما در سال‌های اخیر، «بیل کلینتون» و «جورج دبلیو بوش» نیز از این اتهام مبرا نبوده‌اند؛ کلینتون به خاطر واگذاری مسئولیت اصلاح طرح سلامت به همسرش هیلاری و نپذیرفتن اینکه این کار باعث می‌شود ابناح اول آمریکا کارمند دولت باشد و بوش به دلیل سوااستفاده از گذشته و جایگاه ریاست‌جمهوری پدرش با انتقاد مواجه هستند. درواقع، پیش از قانون ۱۹۶۷ که در واکنش به اقدام رئیس‌جمهور «جان اف کندی» در منصوب‌کردن برادرش به سمت دادستان کل ایالات متحده، تصویب شد، فامیل‌بازی و منصوب‌کردن افراد خانواده به سمت‌های کلیدی، بسیار رایج و گسترده بود. تنها دلایلی که فامیل‌بازی‌های ترامپ را نمی‌توان نقض قانون ۱۹۶۷ دانست، تصویب‌شدن قانونی در سال ۱۹۷۸ است که سمت‌های مشاور را از این قانون مستثنا می‌کند. به فامیل‌بازی رؤسای جمهوری آمریکا اکثرا انتقاد شده. از محبوبیت آنها کاسته و آنها را به دردرسر انداخته است؛ اما موارد خاصی نیز در تاریخ آمریکا وجود دارد که درخشین افرادی که با فامیل‌بازی به سمت‌های منصوب شدند، باعث محبوبیت آنها و در پی آن، محبوبیت رئیس‌جمهوری شده است. در زیر به برخی نمونه‌های فامیل‌بازی رؤسای جمهوری در تاریخ آمریکا اشاره می‌رود.

تاریخ فامیل‌بازی در کاخ سفید

یکی از مواردی که فامیل‌بازی رئیس‌جمهوری با انتقادات اندکی همراه بوده و حتی با نگاهی به گذشته، موجب محبوبیت رئیس‌جمهور نیز شده است، مورد «اربرت اف کندی» است. او که از سوی برادر خود، رئیس‌جمهور جان کندی، به سمت دادستان کل آمریکا منصوب شد، داستانی محبوب بود که به‌عنوان قهرمان حقوق مدنی شناخته می‌شود. این اربرت بود که جان را درباره جنبش حقوق مدنی تشویق کرد؛ جنبش حقوق مدنی با هدف کسب برابری میان سیاه‌پوستان و سفیدپوستان در ایالات متحده آغاز شد و در نهایت در سال ۱۹۶۸ با تصویب قانون مدنی به سرانجام رسید. همچنین اربرت در مجاب‌کردن جان کندی در مبارزه با جرائم سازمان‌یافته نیز نقش بسزایی داشت. از آنجا که اربرت کندی خاطره خوبی از خود به‌عنوان رهبری پیشرو در ذهن مردم آمریکا باقی گذاشته و امروز از او بسیار به نیکی یاد می‌شود، به‌راحتی می‌توان تجربه کم او را در امور قضائی و همچنین نداشتن رزومه کافی برای تصدی پست دادستانی و اینکه تنها عامل انتخاب او به این سمت، فامیل‌بازی برادرش بوده است، به فراموشی سپرد. گرچه روزنامه‌نگاران آن روزها، به انتخاب او انتقاد می‌کردند و در نهایت اربرت نیز مانند برادرش جان، کشته شد.

یکی از فامیل‌بازترین رؤسای جمهوری در تاریخ سیاسی آمریکا، بی‌شک «جان آدامز» است. او دومین رئیس‌جمهور آمریکا بود. او با انتخاب پسرش «کونینسی»، به‌عنوان دیپلمات آمریکا در پروس، مقدمات ریاست‌جمهوری او را مهیا کرد. این انتخاب با مقاومت‌ها و انتقاداتی همراه بود؛ اما در نهایت «جان کونینسی آدامز»، ششمین رئیس‌جمهور آمریکا شد. در ادامه این فامیل‌بازی‌ها، جان آدامز سعی کرد «ویلیام استیونز»، داماد خود را هرطور شده به شغلی دولتی بگمارد. ویلیام به دلای زهمین شهرت داشت. پس از اینکه آدامز موفق به این کار شد، بالاخره توانست او را مامور دولتی گمرک کند. در اقداماتی دیگر، آدامز سمت‌هایی مانند ریاست اداره پست را به دیگر نزدیکان خود داد. فامیل‌بازی در روزهای ابتدایی جمهوری آمریکا خیلی رایج بود. «زاخاری تیلور»، «جیمز مونرو»، «جان تایلر» و «جیمز بوکنن» همه افرادی از اعضای خانواده خود را در مشاغلی دولتی و عموما پست‌های اجرایی نصب کردند. زاخاری تیلور، برادر و دامادش را به سمت مشاوره غیررسمی رئیس‌جمهور انتخاب کرد. «آندرو جکسون»، هفتمین رئیس‌جمهوری آمریکا، نه‌تنها اعضای خانواده خود را به خدمت می‌گرفت، بلکه سیاستی را اتخاذ کرد که به او اجازه می‌داد کسانی را که دوست دارد، از دولت کنار بگذارد و افرادی از طرفداران و اعضای خانواده خود را جایگزین آنها کند؛ سیستمی که با عنوان «سیستم حمایتی» شناخته می‌شود. رسوایی‌های زیادی پیرامون دولت «ویلیوس اس گرنت»، هجدهمین رئیس‌جمهوری، وجود دارد. چه گرنت را افرادی موجه و چه او را رئیس‌جمهور ضعیف و فاسد بدانیم که به خاطر نقش مؤثرش در جریان جنگ داخلی به ریاست‌جمهوری، نمی‌توان منکر این حقیقت شد که او یکی از رؤسای جمهوری آمریکاست که بیشترین



نگاهی به تاریخ خویشاوندسالاری در آمریکااز «جورج واشنگتن» تا «دونالد ترامپ»

فامیل‌بازی در کاخ سفید

فامیل‌بازی را در طول تاریخ آمریکا انجام داده است. گرنت، پسرعموی خود، «سیلاس هادسن» را به‌عنوان نماینده آمریکا به کواتمالا فرستاد. یکی از برادران ناتنی خود را به سمت مسئول کنسولگری آمریکا در شهر لاپایسگ در کشور السان منصوب کرد. به دیگر برادر ناتنی خود شغلی در گمرک شهر نواورلئان داد. به یکی دیگر از نزدیکان خود شغلی در ساختمان کاخ سفید داد. گفته می‌شود درمجموع، ۴۰ نفر از بستگان و نزدیکان او از فامیل‌بازی گرنت سود بردند که باعث شد شبکه‌ای از رسوایی‌ها ریاست‌جمهوری او را دربر گیرد.

وقتی «وودرو ویلسون»، بیست‌وششمین رئیس‌جمهوری آمریکا، «ویلیام کیز مکالمو» را به سمت وزارت خزانه‌داری منصوب کرد، هنوز ویلیام جزئی از خانواده او نبود. اما بعد از آنکه ویلیام با دختر رئیس‌جمهوری ازدواج کرد او همچنان در سمتش باقی ماند. با شروع جنگ جهانی اول، ویلسون، مکادو را به سمت هیئت‌رئیس بخش مالی جنگ برگزید.

«فرانکلین دی.روزولت»، سی‌ودومین و «دوات دی.آیزنهاور»، سی‌وچهارمین رئیس‌جمهوری آمریکا، هر دو پسران خود را به سمت‌های اجرایی منصوب کردند. روزولت پسرش «جیمز» را به سمت دستبازی ویژه رئیس‌جمهور نصب کرد و آیزنهاور نیز پسرش «جان» را به‌عنوان دستیار رئیس ستاد کارکنان کاخ سفید برگزید. رئیس ستاد کارکنان کاخ سفید را شاید به‌طور سنتی بتوان معادل دستیار مخفی رئیس‌جمهوری دانست. روزولت بعدا حیطه مسئولیت‌های جیمز را افزایش داد. جیمز بعدها مسئول هماهنگ‌کننده ۱۸ بخش مختلف کاخ سفید بود؛ مسئولیتی که او را بخشی جدااناشدنی از اجرائیات روزمره اتاق بیضی کاخ سفید می‌ساخت. اگرچه سمت جان در دولت پدرش از دستبازی فراتر نرفت، شغل اول او سنگ‌نبایی شد تا بتواند در دولت‌های بعدی «ریچارد نیکسون»، سی‌وهفتمین و «جرالد فورد»، سی‌وهشتمین رؤسای‌جمهوری آمریکا، نیز کار کند. جورج بوش پسر که خود با فامیل‌بازی پدرش توانست به اتاق بیضی کاخ سفید راه پیدا کند، خود نمونه‌ای از فامیل‌بازی و پارتی‌بازی است. بوش نه‌تنها افرادی از بستگان خود را به سمت‌هایی گماشت، بلکه در منصوب‌کردن بستگان، آشنایان و طرفدارانش به سمت‌های دولتی نیز یز طولانی داشت. فهرستی طولانی از این افراد وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. فرزند ۲۰ساله سناتور «استورم ترموند» به سمت دادستان کل ایالت کارولینای جنوبی منصوب شد. همسر سناتور «میچ مک‌کانل»، «لین چائو»، وزیر کار دولت جورج بوش بود. دختر «دیک چنی»، معاون وقت رئیس‌جمهوری، به سمت دستیار معاون وزیر خارجه منصوب شد و شوهرش به سمت رئیس شورای دفتر مدیریت و بودجه گمارده شد و این فهرست همین‌طور ادامه دارد.

 	برخی از تحلیلگران بر این باورند که بحران‌های کاخ سفید به قدری است که ترامپ قادر به مدیریت آنها نبوده و او نمی‌تواند چهار سال خود را به پایان برساند و جای خود را به معاون اول خود یعنی «مایک پنس» خواهد داد. عده‌ای معتقدند از استیضاح خواهد شد و برخی بر این باورند او در نهایت مجبور به استعفا می‌شود	↑
		↑

بانوی‌اول آمریکا

شاید در هیچ جای دنیا مثل آمریکا همسران رؤسای‌جمهوری مورد توجه مردم و رسانه‌ها نباشند. معمولاً همسران رؤسای‌جمهوری در آمریکا خاطرات خود را از کاخ سفید به رشته تحریر در می‌آورند؛ کتابی که خواندن آن برای خیلی از افراد جالب توجه است. به خانواده رئیس‌جمهوری در آمریکا «خانواده اول» و به همسرانشان «بانوی اول» گفته می‌شود. اگرچه نقش بانوی اول آمریکا هیچ‌گاه به‌طور رسمی تعریف نشده، اما همسر رئیس‌جمهوری در مسائل سیاسی و اجتماعی کشور نقش مهمی ایفا می‌کند. این عنوان در سال‌های ابتدایی ایالات متحده مرسوم نبود و معمولاً همسر رئیس‌جمهوری با همین عنوان یا خانم رئیس‌جمهوری خطاب می‌شد. تا اینکه در سال ۱۸۲۸ و برای اولین‌بار نونسده مقاله‌ای، «مارتا واشنگتن» همسر «جورج واشنگتن» را بانوی اول خطاب کرد. نکته جالب توجه این است که در طول تاریخ آمریکا دست‌کم در ۱۳ مورد کسی به جز همسر رئیس‌جمهوری عنوان بانوی اول را داشته است و این موارد مربوط به زمانی بوده که رئیس‌جمهوری متاهل نبود. از همسرش جدا شده بوده یا توانایی اداره امور داخلی کاخ سفید را نداشته است.

منطقاً قانون ضدفامیل‌بازی شامل بانوی اول آمریکا نیز می‌شود. آنها مجاز هستند در کمپین‌های انتخاباتی کنار همسران‌شان باشند، مدیریت امور داخلی کاخ سفید به‌عنوان محل اقامت خانواده اول را برعهده بگیرند، در مراسم تشریفاتی ریاست‌جمهوری شرکت کنند و به امور اجتماعی و فرهنگی به‌طور مستقل از دولت بپردازند. بانوی اول دفتری در قسمت شرقی کاخ سفید دارد. اما بانوی اول باید احتمالا از داشتن سمت‌های دولتی منع شود. مقایسه کوتاهی بین همسران بیل کلینتون، رئیس‌جمهوری چهل‌ودوم و «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری چهل‌وچهارم آمریکا، تفاوت نقش این دو زن در کاخ سفید را به‌خوبی روشن می‌کند.

بیل کلینتون در زمان ریاست‌جمهوری خود همسرش هیلاری را به سمت ریاست کارگروه ویژه اصلاح طرح سلامت که سمتی دولتی محسوب می‌شد، گماشت؛ موضوعی که باعث شد بیل به نقض قانون ضدفامیل‌بازی متهم شود. بعد از آنکه این متخصص حقوقی سمت هیلاری را ناقض قانون دانستند، در نهایت دادگاه فدرال رای صادر کرد که قانون مذکور شامل کارکنان کاخ سفید

جهان



نمی‌شود. حضور دختر و داماد ترامپ به‌عنوان مشاور رئیس‌جمهور در کاخ سفید نیز به استناد همین رای دادگاه فدرال است. هیلاری اولین بانوی اول آمریکا بود که به‌جز دفتر معمول که در شرق کاخ سفید به همه همسران رؤسای‌جمهوری داده می‌شود، دفتر کاری نیز در قسمت غربی کاخ سفید داشت. از هیلاری کلینتون و «الانور روزولت»، همسر فرانکلین روزولت در تاریخ آمریکا به‌عنوان کسانی یاد می‌شود که به‌طور علنی بیشترین قدرت را از طرف همسران رئیس‌جمهوری‌شان کسب کرده‌اند.

شاید باراک اوباما را بتوان از معدود رؤسای جمهوری آمریکا دانست که از فامیل‌بازی به دور بوده است. همسر او، «میشل اوباما» بدون تلاش برای اشغال‌کردن سمت‌های دولتی، هدفی اجتماعی برای خود برگزید؛ هدفی که میشل برای خود انتخاب کرد تلاش برای معکوس‌کردن فرایند چاق‌شدن کودکان در قرن بیست‌ویکم بود. او در یکی از اظهارنظرهایش در این مورد گفت: «می‌خواهم میراثی از خود به جای بگذارم که بعد از رفتنم بگویند این تغییر بر اثر زمانی که فلانی صرف این کار کرد به وجود آمد و امید دارم که آن تغییر در حوزه جاقی کودکان باشد». تلاش‌های میشل محدود به این حوزه خاص نمی‌شد. او تلاش‌های متمرث‌تری نیز در زمینه کمک به زنان کارگر، خدمات ملی، آموزش هنر و تغذیه سالم انجام داد. میشل اوباما به خاطر تلاش‌های گسترده‌اش در حوزه تغذیه سالم شناخته می‌شود. او به باغ سبزیجات کاخ سفید علاقه زیادی نشان می‌داد و زمان قابل توجهی را صرف آن می‌کرد.

ارتباط دامادوپسر ترامپ باروسیه

دونالد ترامپ این روزها با موضوعات و مسائل مختلفی دست‌وپنجه نرم می‌کند. از این مسائل می‌توان به مشاجرات لفظی تهدیدآمیز اخیر با کره‌شمالی، حضور نظامی در خاورمیانه، توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱، طرح تحریم روسیه، ایران و کره‌شمالی، موضوع روسیه و بحران اوکراین، موضوع دیوارکنشی در مرز مکزیک، خروج از پیمان آب‌وهوایی پاریس و دیگر پیمان‌های بین‌المللی، رابطه با ناتو، طرح سلامت و بیمه تندرستی و بحران در کاخ سفید به خاطر تعداد زیاد عزل و نصب‌ها در چند وقت اخیر اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که ترامپ بعد از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری با آن روبه‌روست، اتهام رابطه با روسیه است. ماجرای ارتباط ستاد انتخاباتی ترامپ با روسیه و دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا، از همان نخستین هفته‌های آغازین حضور ترامپ در اتاق بیضی کاخ سفید آغاز می‌شود و مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد. کنگره بررسی هر نوع احتمال تأثیرگذاری روسیه بر دولت جدید را در دستور کار قرار می‌دهد. برخی از تحلیلگران معتقد هستند موضوع ارتباط کاخ سفید با روسیه باعث شده که ترامپ بیشتر قابل کنترل باشد و رسانه‌ها و دیگر نهادهای حکومتی آمریکا بتوانند او را مهار کنند.

از موارد قابل توجه در این مورد، شراکت تجاری و فعالیت اقتصادی شخص ترامپ با سرمایه‌گذاری روس به نام «آکالاروف» است که گفته می‌شود رابط ترامپ و رئیس‌جمهور روسیه، «ولادیمیر پوتین» بوده است. اظهارات ترامپ در دوران تبلیغات انتخاباتی‌اش نیز مورد بحث است. کاخ سفید را به کاخ سفید برسد، روابط واشنگتن و مسکو و شخص رئیس‌جمهور روسیه عالی خواهد شد. او حتی در یکی از مناظرات انتخاباتی با ستایش اقدامات ایران و روسیه در مبارزه با داعش گفت، «باید با این دو‌کشور برای مبارزه با تروریست‌ها در سوریه همکاری کرد». از آن مهم‌تر ارتباط نزدیکان و اطرافیان ترامپ با روسیه است که به دردرس‌های او افزوده است. ارتباط داماد ترامپ، جرد کوشنر و پسرش، دونالد ترامپ‌جونیور با روسیه نیز به این ماجرا دامن زده و کاخ سفید را تحت فشار بیشتری قرار داده است. رسانه‌ها و کنگره، پسر ترامپ را به‌عنوان عضوی از ستاد انتخاباتی پدرش به خاطر ملاقات با فردی که گفته شده است از وکلای دولت روسیه بوده، در مرکز توجه قرار داده‌اند. گفته می‌شود هدف او از این ملاقات کسب اطلاعاتی علیه رقیب انتخاباتی پدرش بوده است که ظاهرا این توسط دولت روسیه جمع‌آوری شده بود. جرد کوشنر نیز به دلیل ملاقات با سفیر روسیه و همچنین یکی از برجانه‌هایی بود که ترامپ به روسیه به نام «سریگنی گورکف» در جریان مبارزات انتخاباتی برای پاسخ‌گویی به کنگره احضار شده بود. وکیل کوشنر گفته بود او همواره آماده همکاری داوطلبانه با تحقیقات کنگره بوده و این آمادگی را دارد که تمامی اطلاعات خود را در اختیار آنها قرار دهد. استعفاي «مایکل فلین»، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، برکنارشدن «رابنس پرینس» رئیس ستاد کارکنان کاخ سفید، اخراج «جیمز کومی»، رئیس سابق اف‌بی‌آی و فقط بخشی از بحران‌هایی بود که ترامپ به خاطر اتهام ارتباط با روسیه با آن مواجه شد. روسیه بارها این اتهامات را رد کرده است و تحقیقات هنوز ادامه دارد.

آینده‌ترامپ

برخی از تحلیلگران بر این باورند که بحران‌های کاخ سفید به قدری است که ترامپ قادر به مدیریت آنها نبوده و او نمی‌تواند چهار سال خود را به پایان برساند و جای خود را به معاون اول خود یعنی «مایک پنس» خواهد داد. عده‌ای معتقدند از استیضاح خواهد شد و برخی بر این باورند او در نهایت مجبور به استعفا می‌شود. براساس نظرسنجی انجام‌شده در ماه می سال جاری، ۴۸ درصد مردم آمریکا موافق استیضاح ترامپ هستند. ۴۱ درصد مخالف و ۱۱ درصد جوابی ندادند. روزنامه «نیویورکتایمز» چندی‌پیش در گزارشی مناقشه‌برانگیز این ادعا را مطرح کرد که پنس و گروهی از اخراجی‌های کاخ سفید می‌خواهند دولتی در سایه تشکیل دهند و برای انتخابات سال ۲۰۲۰ و ریاست‌جمهوری پنس خود را آماده کنند. هرچند سخنگوی پنس این ادعا را رد کرده موضوع قابل توجه این است که تحلیل‌ها، نظرسنجی‌ها و شایعات خبر از ضعف رئیس‌جمهور آمریکا برای ادامه کار می‌دهند.

آگوست

ماه همیشه خطرناک

ماه آگوست همواره برای رؤسای‌جمهور آمریکا دردسرساز بوده؛ زمانی مناسب برای گروه‌بندی‌های مجدد، ماه آرام تعطیلات و خطرناک برای ساکنان کاخ سفید. شاید هم این‌طور نباشد. مقام‌های کارکنشته کاخ سفید در دوران جورج بوش و باراک اوباما می‌گویند آگوست خطرناک‌ترین ماه است. برای کاخ سفیدی که دست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکاست و از همه طرف هدف حمله قرار دارد، این ماه می‌تواند ضربه نهایی را به او وارد آورد. روزنامه «واشنگتن‌پست» می‌نویسد دو اشتباه ویرانگر ریاست‌جمهوری بوش در ماه آگوست رخ داد. بوش در روز ششم آگوست ۲۰۰۱ در اطلاعات روزانه خود هشدار معروف «بن‌لادن مصمم به حمله به آمریکاست»، را دریافت کرد اما اعدم واکنش به‌موقع او به این هشدار که مصادف با «ماه تعطیلات» شد، انتقادهایی را از عملکرد او در رابطه با حملات ۱۱ سپتامبر ایجاد کرد که تا پایان ریاست‌جمهوری او ادامه داشت. اگر درباره ماه آگوست از کارکنان کاخ سفید در دوران اوباما سؤال کنید، شوکه می‌شوید. آگوست ۲۰۰۹ بود که مخالفت جنبش تی‌پارتنی با اصلاحات بهداشتی علنی شد و «قانون مراقبت مقرون به‌صرفه» به نقطه ضعف سیاسی تبدیل شد. آگوست ۲۰۱۱ بودچه و مذاکرات مالی ریاست‌خورد و «سال تلاش‌شده» دوران ریاست‌جمهوری اوباما شد. در ماه آگوست ۲۰۱۴، مایکل براون در فرگوسن کشته شد و داعش در اربیل و موصل شاهد پیشرفت‌های چشمگیری شد. در آخرین ماه آگوست اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکه، به دلیل اینکه تعطیلاتش را نیمه‌کاره رها نکرد تا از منطقه سیزده‌لوزپانای بازبیدند، هدف انتقادات بسیاری قرار گرفت. ترامپ حتی طرح‌های جدی درباره اصلاحات مالیاتی، زیرساخت‌ها، مراقبت از کودکان و برون‌سپاری ارانه تکرید است؛ همه وعده‌هایی که

برای «۱۰۰۰ روز اول» بوده اما تاکنون محقق نشده است. رای‌دهندگان از انفجار رسوایی‌های روزافزون ترامپ خشمگین هستند. جمهوری‌خواهان کنگره در ماه آگوست قصد دارند حوزه‌های انتخابیه خشمگین و رهبران محلی را شناسایی کنند. ذخیره سرسسام‌آور ترامپ در کنگره بیش‌ازپیش غرق خواهد شد. همچنین رئیس‌جمهوری آمریکا وزارت امنیت داخلی را از حضور رهبرش خالی کرده و همین صدای اعتراض رئیس در حال کناره‌گیری پیش‌بینی توفان را درآورده است که چگونه کاهش بودجه او می‌تواند روی این کار تأثیر بگذارد.

حتی در ماه آگوست مدیرانی کارآمد با تعداد نیروی کافی به مشکل بر می‌خورند چرا که زبانکنا کلیدی به در تعطیلات می‌روند و زمانی که اوضاع بحرانی می‌شود، پدیده «کسی خانه نیست» ایجاد می‌شود. برای ترامپ که در کاخ سفیدش نیروی کافی ندارد و به‌شدت برای پرکردن پست‌های کلیدی در سازمان‌های فدرال مشکل دارد، این خطر تشدید می‌شود. تقریباً نیمی از کابینه هیچ مقام تصویب‌شده‌ای از جانب سنا ندارند که در صورت غیبت وزیر مسئولیت‌ها را عهده‌دار شوند. نشانه‌های این چالش اکنون مشهود است. لایحه ابراهیم‌تاکون می‌شود اولین بار در مجلس نمایندگان آمریکا از دست رفت که خانواده جرد کوشنر (داماد ترامپ) در ماه مارس برای تعطیلات بهاره به اسکی رفته بودند؛ بار بعد هم این لایحه زمانی به‌شدت آسیب دید که سفیر روسیه را اوبانکا به جریان رسیدگی سنا به آن راهی تفرجگاه سان ولسی در ایالت آیداهو شدند. چه اتفاقاتی قرار است در ماه آگوست که شاهد بزرگ‌ترین خلا نیروهای عالی‌رتبه است، رخ دهد؟ در شرایطی که مسئولیت‌ها به مشکلاتی در کره‌شمالی و خاورمیانه ظهور کرده و حتی ممکن است مشکلاتی در جبهه داخلی به وجود آید. یک بار تی‌اس بی‌رحم‌ترین ماه باشد». اما برای تیم ترامپ که آمادگی، نیرو و دستاوردی ندارد، آگوست خطرناک‌ترین ماه است.

روزنه

آمریکا سال‌ها در سوریه می‌ماند

اتلاف نیروهای سوریه دموکراتیک که متحد اصلی واشنگتن در جنگ علیه داعش در سوریه به شمار می‌رود، می‌گویند نیروهای آمریکایی قرار است برای دهه‌ها سال آینده در شمال این کشور باقی بمانند. به گفته آنها، انتظار می‌رود حتی پس از شکست گروه‌های تندرو، روابط مستمر و پایداری بین آمریکا و منطقه تحت نظارت کردها پدید آید. «طلال سلو»، سخنگوی ائتلاف نیروهای سوریه دموکراتیک، به خبرنگار رویترز می‌گوید این ائتلاف از گروه‌های متعدد کرد تشکیل شده که یکی از مهم‌ترین آنها واحدهای حمایت از خلق کرد سوریه به شمار می‌رود. به گفته این سخنگو، «ایالات متحده منافع استراتژیکی برای باقی‌ماندن در این منطقه دارد». سلو تأکید می‌کند «قطعا آنها برای ده‌ها سال آینده برنامه‌ریزی کرده‌اند. حتما، توافقاتی درازمدت بین دو طرف خواهد بود؛ توافقات نظامی، اقتصادی و سیاسی… بین دولت آمریکا و رهبران کرد توافقاتی امضا شده است». ائتلاف به رهبری ایالات متحده که علیه گروه داعش تشکیل شد، در چند منطقه شمال سوریه برای خود پایگاه‌های هوایی ساخته است که یکی از آنها در نزدیکی کوبانی قرار دارد. نیروی هوایی این ائتلاف از طریق بمباران و نیروهای ویژه آمریکایی در زمین از نیروهای سوریه دموکراتیک پشتیبانی می‌کنند. در پاسخ به این پرسش که آیا چنین راهبرد طولانی‌مدتی وجود دارد، ژنرال «ریان دیلون»، سخنگوی ائتلاف آمریکایی، می‌گوید: «هنوز جنگ‌های زیادی هست که باید وارد آنها شد، حتی بعد از شکست داعش در رقه». این سخنگو معتقد است داعش هنوز موضوعی در وادی فرات به‌خصوص استان دیرالزور در جنوب شرق رقه دارد. دیلون بدون اینکه به جزئیات موضوع بپردازد، می‌گوید، «ماموریت فعلی ما شکست داعش در مناطق مشخصی از عراق و سوریه است. ماموریت بعدی ما آماده‌سازی شرایط برای آغاز عملیاتی جدید به منظور تحکیم ثبات منطقه است». اریک «باهون»، سخنگوی پنتاگون، می‌گوید: «وزارت دفاع آمریکا درباره عملیات آینده هیچ چارچوب زمانی را مشخص نکرده است. ما در‌حال‌حاضر موظف به نابودی داعش هستیم و اینکه اجازه ندهیم این گروه دوباره برگردد». نیروهای سوریه دموکراتیک و واحدهای حمایت از خلق کرد در منطقه وسیعی از شمال این کشور حضور دارند. آنها در سال ۲۰۱۱، یعنی از زمان شروع درگیری‌ها در سوریه در این مناطق، خودمختاری اعلام کردند. نیروهای حمایت از خلق کرد بر نواری متصل به طول ۴۰۰ کیلومتر در حاشیه مرزهای سوریه و ترکیه مسلط هستند. حمایت ایالات متحده از نیروهای دموکراتیک خلق سوریه و واحدهای پیرامونی آن به کانون اختلافی بین ترکیه و آمریکا تبدیل شده است. ترکیه این‌ نیروها را ادامه حزب کارگران کردستان می‌داند که سه دهه است با دولت ترکیه، مسلحانه می‌جنگد.

سلو می‌گوید: «آمریکایی‌ها اخیرا اشاره کردند می‌توانند یک فروگداه نظامی برای آنها بسازند. این شروع کار است. قطعا طرف آمریکایی همه این خدمات را برای این‌ ارانه نمی‌دهد که منطقه را ترک کند و برود. همه می‌دانند که آمریکایی‌ها مجانی این کارها را نمی‌کنند». به اعتقاد او، شمال سوریه در‌حال‌حاضر به پایگاه



جدیدی برای نیروهای آمریکا تبدیل شده است. شاید ساخت پایگاه‌هایی از این دست جایگزینی برای اینترچلیک در ترکیه باشد. فرمانده واحدهای حمایت از خلق کرد ماه گذشته گفت ایالات متحده هفت پایگاه نظامی در مناطق شمال سوریه تأسیس کرده است که یکی از آنها نزدیک کوبانی در کنار مرزهای ترکیه است. این مناطق نیز نظر نیروهای خلق کرد سوریه قرار دارد. ائتلاف به رهبری آمریکا می‌گوید به دلیل امنیتی نمی‌تواند درباره این پایگاه‌ها اطلاع‌رسانی کند. اما بعضی از خبرنگاران رویترز باگدره‌های نظامی مدل بلاک هاوک و آپاچی را دیده‌اند که از یک کارخانه سیمان در جنوب شرق کوبانی بلند می‌شوند. درباره تلاش ایالات متحده آمریکا، «عبدالباری عطان»، تحلیلگر مشهور عرب در روزنامه «رای الیوم»، می‌نویسد: «آمریکایی‌ها چندی پیش با هدف قراردادن جکندجه سوری در مرزهای سوریه و اردن و سرنگون‌کردن آن، تلاش کردند سوریه و هم‌نشده‌ان آن از جمله روسیه را وارد یک نبرد تنگنا در مستقیم با خود کنند، بااین‌حال خویشنداری سوریه و هم‌پیمانان آن موجب شد واشنگتن در تحقق هدف خود ناکام بماند. از همین رو، آمریکایی‌ها مسئله تسلیحات شیمیایی را بار دیگر به میان کشیدند. در این میان، مقامات فرانسه و بریتانیا در فاصله کوتاهی بر اتهامات واشنگتن به دمشق درخصوص تسلیحات شیمیایی صحه گذاشته و بدین‌سان از هرگونه تحرک نظامی احتمالی آمریکا علیه سوریه اعلام حمایت کردند». درهمین‌حال، واشنگتن در دوره دونالد ترامپ اقدام به ارسال سلاح بین نیروهای حامی خلق کرد سوریه کرد. هنوز نبرد نهایی برای آزادسازی شهر رقه شروع نشده است. ارسال این کمک‌ها خشم ترکیه را به دنبال داشت. ترکیه تلاش می‌کند با فشار آوردن بر آمریکا این کشور را متقاعد کند که دست از حمایت کردها بکشد. با وجود یقین نیروهای دموکراتیک کرد سوریه مبنی بر اینکه نیروهای آمریکایی باقی خواهند ماند، این نگرانی وجود دارد که واشنگتن حمایت کافی از مردم کرد و سرزمین‌های در اختیارشان در شمال سوریه به عمل نیاورد. سلو می‌گوید: «هنوز جلسات مفصلی برای بحث درباره آینده سوریه تشکیل نشده است. ما می‌بینیم که از نیروهای ما حمایت سیاسی می‌شود اما امیدواریم این حمایت‌ها بیشتر شود».

منبع: رویترز